کیهان
صفحه ۸
پنج‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۱
۲۴ شوال ۱۴۴۳ - شماره ۲۳۰۳۳

اشــــاره: حدود دو سه سالی است که حملات رسانه‌ای رسانه‌های عربی-سعودی منطقه و لبنان متمرکز بر تخریب چهره مقاومت به ویژه حزب‌الله لبنان اســـت و کارزارهای مختلفی از طرف سفارت آمریکا و سعودی در جریان است که هدف آنان زدن حزب‌الله است و پول‌های کلانی برای این هدف خرج شده است. با نزدیک شدن انتخابات پارلمانی لبنان این «بمباران تبلیغاتی دشمن» علیه حزب‌الله شدت فراوان گرفت تا مقدمات شکست این جنبش در انتخابات فراهم شود، اما زیر این بمباران تبلیغاتی شدید، ائتلاف مقاومت لبنان بیشترین آراء انتخابات را به خود اختصاص داد تا «پیروزی زیر بمباران دشمن» محقق شود.

سرویس خارجی

مروری بر انتخابات پارلمانی لبنان

پیروزی زیر بمباران دشمن

امین الاسلام تهرانی

بر اساس اعلام «بسام المولوی» وزیر کشور لبنان در انتخابات پارلمانی امسال لبنان ۷۱۸ نفر در قالب ۱۰۳ فهرست برای کسب ۱۲۸ کرسی پارلمان با یکدیگر رقابت کردند. وزیر کشور لبنان در اظهاراتی گفت: «نام ۱۱۸ کاندیدای زن در لیست‌های انتخاباتی امسال وجود دارد؛ بنابراین در این دوره شاهد بیشترین میزان از مشارکت زنان در انتخابات لبنان هستیم.»

بر اساس نظام انتخاباتی تناسبی، کرسی‌های احزاب مختلف به تناسب تعداد رأیی که کسب می‌کنند، به آنان تعلق می‌گیرد. اگر فرض کنیم سه لیست در یک حوزه انتخاباتی بر سر ۱۰ کرسی رقابت می‌کنند و لیست اول ۶ هزار رأی، لیست دوم، سه هزار رأی و لیست سوم هزار رأی به دست بیاورد، کرسی‌های دهگانه به تناسب آرای به دست آمده هر لیست، میان آنها تقسیم خواهد شد: لیست اول شش کرسی، لیست دوم سه کرسی و لیست سوم یک کرسی.

ساختار انتخابات

همچنین در قانون جدید، رأی‌دهندگان هم باید به لیست‌ها رأی بدهند و هم اینکه یک نفر را از همان لیست به عنوان نامزد برتر یا برگزیده خود انتخاب کنند (معروف به «الصوت التفضیلی»). این گزینه نقشی مهم در ورود کاندیداها ایفا می‌کنند.رأی تفضیلی یا ترجیحی باید از همان فهرستی باشد که رأی‌دهنده به آن رأی داده است. اگر فرد رأی‌دهنده، رأی ترجیحی ندهد مابقی رأیی که به یک لیست داده صحیح است همچنین اگر بیش از یک رأی ترجیحی داد، این رأی شمرده نمی‌شود و تنها لیستی که به آن رأی داده به حساب می‌آید.

کرسی‌های پارلمان آینده لبنان میان احزاب سنی، شیعه، دروزی، علوی، مارونی، کاتولیک رومی، ارتدوکس رومی، انجیلی، کاتولیک ارمنی، ارتدوکس ارمنی و اقلیت‌ها تقسیم می‌شود. ۶۴ کرسی متعلق به مسیحیان است. مسیحیان مارونی: ۳۴ کرسی؛ مسیحیان ارتدکس: ۱۴ کرسی؛ مسیحیان کاتولیک: ۸ کرسی؛ مسیحیان ارمنی ارتدکس: ۵ کرسی؛ مسیحیان ارمنی کاتولیک: ۱ کرسی؛ مسیحیان انجیلی: ۱ کرسی؛ اقلیت‌های مسیحی: ۱ کرسی. ۶۴ کرسی نیز متعلق به مسلمانان است. سنی: ۲۷ کرسی؛ شیعه: ۲۷ کرسی؛ دروزی: ۸ کرسی؛ علوی: ۲ کرسی. در نهایت ائتلاف گروه‌های سیاسی راه‌یافته به پارلمان، برای تعیین نخست‌وزیر سرنوشت‌ساز خواهد شد.

بر اساس نتایج نهایی انتخابات پارلمانی لبنان هیچ یک از ائتلاف‌های احزاب سیاسی لبنان موفق به کسب اکثریت مطلق نشده‌اند. چنان‌که سید حسن نصرالله تأکید کرد: «هیچ گروه سیاسی‌ای در کشور نیست که بتواند ادعا کند اکثریت پارلمانی از آن‌هاست. تاکنون تمام افراد مورد احترام و منطقی چنین ادعایی نکرده‌اند. ما امروز در برابر مجموعه‌ای از فراکسیون‌های پارلمانی و احزاب سیاسی و نمایندگان جدید و مستقل قرار داریم که شاید مصلحت لبنان و مردم کشور در همین چیزی بوده که رخ داده و در اینکه نه این گروه و نه آن گروه اکثریت را به دست نیاوردند.»

نتایج انتخابات

هر چند ائتلاف جریان مقاومت در این انتخابات با ۶۲ کرسی همچنان اکثریت عددی تعداد کرسی‌های پارلمانی را در اختیار دارد اما این اکثریت همچون مجلس گذشته مطلق نیست. بر این اساس ائتلاف جریان ۱۴ مارس جمعا ۵۵ کرسی از مجموع ۱۲۸ کرسی پارلمان را به خود اختصاص داده و ۱۱ کرسی هم به جریان نوظهور تغییر اختصاص یافته است.

به اعتقاد محافل سیاسی چنانچه دبیرکل حزب‌الله لبنان بر آن تاکید کرد، پیام اصلی این انتخابات شکست تلاش چهارساله جریان غربی-عربی برای فاصله‌انداختن میان محور مقاومت با پایگاه مردمی آن است. محور آمریکایی-سعودی با اتکا به نتایج این انتخابات تلاش می‌کند با بحران‌سازی داخلی برای حزب‌الله، مقاومت را درگیر مسائل داخلی کند.

سید حسن نصرالله با اشاره به نتیجه بزرگی که در انتخابات لبنان رقم خورد، اظهار داشت: «این دستاورد پس از حمله رسانه‌ای و روانی شدید علیه ما و علیه متحدان مقاومت و فشار اقتصادی و بحران‌سازی‌ها صورت گرفت. به‌رغم تمام تهدیدات و هراس‌افکنی‌ها برای ترساندن مردم و بازگرداندن آن‌ها، این‌ها به نتیجه‌ای نینجامید. حضور چشمگیر در سه مرحله یک پاسخ بود. حضور چشمگیر در روز رأی‌گیری یک پاسخ و همچنین نتایجی که منتشر شد، یک پاسخ دیگر بود. علی‌رغم سال‌ها کمپین‌ستیزه‌جویانه علیه مقاومت که آمریکایی‌ها آن را هدایت می‌کردند و [دیوید] شنکر (دستیار سابق وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک) به آن اعتراف کرد تعداد آرای ما و اعضایمان در پارلمان افزایش یافت. امیدوارم همه اظهاراتی که را شنکر مطرح کرد، بخوانند.» دبیرکل حزب‌الله ادامه داد: «آنچه در ارتباط با مقاومت رخ داد، یک پیروزی بزرگ بود که ما به آنها افتخار می‌کنیم و می‌بالیم به‌ویژه زمانی که وضعیت این نبرد را می‌نگریم و آنچه در آن استفاده و هزینه شد. آنچه نیز در ارتباط با جامعه شریف اهل‌تسنن رخ داد، مسئله بسیار مهمی است که نیازمند یک رویکرد آرام، مسئولانه و دقیق است.»

تبیین پیروزی

سید حسن نصرالله همچنین به دروغی دیگر درباره مداخله ایران در امور لبنان اشاره کرد و گفت: «ما سفیر آمریکا را دیدیم که در مراکز اخذ رأی سرک کشید و سفارت آمریکا لیست ارائه می‌دهد و سفیر عربستان سعودی نیز که خود فعال‌ترین کارزار انتخاباتی در لبنان بود. بحران‌ها تنها با مشارکت و همکاری و به دور از خصومت‌ها حل و فصل می‌شوند. پس بیایید روی نقاط مورد اتفاق‌نظر تمرکز کنیم.»

انتخابات پارلمانی لبنان روز یکشنبه (۱۵ مه) در موعد مقرر، اما در سایه مداخلات خارجی برگزار شد تا تهدیدها و تمهیداتِ به تاخیرافتادن آن توسط دشمنان مردم لبنان از بین بروند. از بین تمام سفارت‌خانه‌های فعال در بیروت با هدف تحریف نتایج انتخابات و جلب آراء مردم به سود متحدان داخلی خود، سُفرای ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی، از همه پُرکارتر بودند.

در یک نگاه اجمالی: سفارت‌خانه‌های واشنگتن و ریاض سعی کردند تا با دو راهبرد تحرکات ضدامنیتی علیه مردم و تزریق منابع مالی به جریان‌های تحت تسلط خود، نتایج انتخابات را مهندسی کنند. مداخلات آمریکایی-سعودی در انتخابات پارلمانی لبنان محدود به تبلیغات غیرمستقیم و تامین مالی نشد؛ بلکه تا به‌راه‌انداختن یک تقابل رسانه‌ای با مقاومت حزب‌الله پیش رفت. سیاست آمریکا و عربستان سعودی در تضعیف متحدان مسیحی حزب‌الله لبنان با موفقیت همراه نشد و امیدها برای تشکیل فراکسیون بزرگ‌تر با مشارکت جنبش آزاد میهنی زنده ماند. سفارت‌های واشنگتن و ریاض با به راه‌انداختن کمپین «تغییر» به دنبال تداوم اتهامات خود به حزب‌الله و دور کردن مردم از آن بودند که نتایج انتخابات، شکست‌شان را اثبات کرد. تشکیل به‌موقع فراکسیون بزرگ‌تر در پارلمان با جلب مشارکت گروه‌های مستقل ملی و مسیحی، شکست پروژه ضدمقاومت آمریکا و عربستان را تکمیل خواهد کرد. تلاش‌های آمریکایی-عربی در جهت مهندسی روند و نتایج انتخابات پارلمانی لبنان به رهبری واشنگتن و ریاض انجام شد؛ زمانی اهداف و ابزارهای این دو مشابهت بیشتری پیدا کرد که تضعیف گروه‌های سیاسی ملی‌گرا (مانند جنبش آزاد میهنی) و احزاب مقاومت (نظیر جنبش حزب‌الله و جنبش امل) به عنوان سیاست مشترک‌شان انتخاب شد. متفرق کردن آراء لبنانی‌های طرفدار متحدان حزب‌الله و تقویت پایگاه اجتماعی احزاب تندرو و همسو با سیاست‌های عربی-صهیونیستی هدف اصلی سفارت‌خانه‌های ریاض و واشنگتن در بیروت بود.

آنان باتوجه به وضعیت کنونی لبنان در سطوح سیاسی و اقتصادی، بهترین ابزار نیل به این هدف را پول و تزریق کمک‌های مالی به متحدان خود یافتند. تاثیر تزریق این اموال آمریکایی-سعودی در چند جا خود را نشان داد که اولین مرحله آن قبل از آغاز روند رای‌گیری بود. ستادهای انتخاباتی حزب «نیروهای لبنانی» و «گردان‌های لبنان» در تبلیغات بسیار متفاوت بودند و برخورداری‌شان از امکانات مالی برای جلب آراء مردم مشهود بود. مرحله دوم تاثیرگذاری این کمک‌های مالی، در روز انتخابات نمایان شد؛ جایی که حزب نیروهای لبنانی وابسته به سمیر جعجع و گردان‌های لبنان (دو حزب ضد مقاومت ۱۴مارس) تقریباً در تمام طول روز بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شبکه‌های لبنانی را در اختیار داشتند. این شبکه‌ها در برخی ساعات رای‌گیری، فعالیت‌های دفاتر مرکزی احزاب همسو با واشنگتن و ریاض را به طور زنده پوشش داده و پخش کردند.

این وضعیت موجب واکنش‌ها و تحلیل‌های بسیاری در داخل و خارج لبنان شد. نه‌تنها احزاب نزدیک به جنبش‌های مقاومت، بلکه سایر احزاب و جریان‌های سیاسی لبنانی نیز به کمک‌های مالی و تقابل رسانه‌ای احزاب آمریکایی و سعودی اشاره کرده و از عملکرد ضدملی آنان انتقاد کردند. برای مثال، «جبران باسیل» رهبر جنبش آزاد میهنی لبنان در نشستی انتخاباتی و در مقابل رسانه‌ها اعلام کرد می‌دانیم پولی را که در انتخابات خرج می‌شود، منبع منطقه‌ای شناخته شده‌ای دارد و این نشان می‌دهد که مبارزه انتخاباتی محدود به بُعد داخلی نیست. این رهبر احزاب مسیحی لبنان، روش سمیر جعجع را تقلب و تحریف اراده مردم با خرج کردن پول دانست.

«عبدالباری عطوان» تحلیلگر برجسته جهان عرب، یک روز پس از انتخابات و با نتایج اولیه آن، در سرمقاله روزنامه اینترنتی خود (رای‌الیوم) اذعان کرد که تمام کشورهایی که در انتخابات لبنان پول هزینه کرده بودند به هدف خود رسیدند؛ وی در اینجا تلویحاً اشاره‌ای به میزان آراء حزب سیاسی سمیر جعجع داشت که مورد حمایت آشکار سعودی-آمریکایی است. یک روز قبل از انتخابات نیز جبران باسیل علناً گفت رئیس‌حزب نیروهای لبنانی (جعجع) دست‌نشانده کشورهای عربی است و انتخاب او، رای به «اسرائیل» و «داعش» خواهد بود.

«ولید البخاری» سفیر عربستان سعودی با اعلام نتایج اولیه انتخابات پارلمانی لبنان و خبرهای ضدونقیض از شکست متحدان جنبش حزب‌الله در برخی حوزه‌های انتخابی، نتوانست خوشحالیِ موقت خود برای کسب ۲۴ کرسی توسط حزب سمیرِ جعجع را پنهان کند و با توئیت آیه‌ای قرآنی، مردم لبنان را یاری‌کنندگان خدا و افراد پیروز خواند. ذوق او دوام چندانی نداشت و با تکمیل روند شمارش آراء، رئیس‌حزب مسیحی متحد مقاومت در لبنان با اعلام موفقیت در انتخابات، متحدانش را قادر به تشکیل فراکسیون بزرگ پارلمانی خواند و خاطرنشان کرد که مبارزه انتخاباتی در لبنان، در واقع مبارزه با آمریکا و اسرائیل بوده است.

سفارت واشنگتن با طرح‌های سیاسی و ضدامنیتی خود در بیروت مکمل پول‌های سعودیِ خرج شده در لبنان است؛ جایی که برای آمریکا و متحد اصلی‌اش در منطقه [رژیم صهیونیستی] اهمیت ویژه‌ای دارد. درباره استراتژی واشنگتن در این انتخابات باید گفت که راهبردهای آمریکایی در جهت شکل‌دادن به نتایج مورد نظر، از اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد. آمریکایی‌ها از آن اعتراضات و تداومش به نفع خود استفاده کردند؛ از یک سو با محاصره اقتصادی ملت لبنان، عرصه را بر مردم و فعالیت بازارهای این کشور تنگ کردند و از سوی دیگر، با فشار سیاسی برمقامات بیروت قدرت بیشتری برای عوامل دست‌نشانده خود در داخل لبنان خریدند. این استراتژی را در طول این سه سال تا آن‌جایی ادامه دادند که بخش قابل توجهی از جامعه لبنان در این انتخابات، براساس وعده‌های خارجی و به امید کمک نهادهای اقتصادی [نظیر صندوق بین‌المللی پول] به پای صندوق‌های رای آمدند. آمریکایی‌ها با شعار «تغییر» مردم را جذب کردند و در آخر با واقعیتِ «فقر و بی‌ثباتی» رها خواهند کرد.

با پایان شمارش آراء انتخابات پارلمانی لبنان و کسب کرسی‌های قابل توجه برای جریان مقاومت و متحدانش، ذوقِ آمریکایی‌ها و سعودی‌ها فروکش کرد؛ اما آنها قطعاً خود را برای مرحله مابعد انتخابات آماده خواهند کرد. موفقیت جنبش حزب‌الله و متحدان ملی‌گرایش زمانی تکمیل خواهد شد که بتوانند در مدت‌زمان کوتاهی فراکسیون پارلمانی بزرگ‌تر را تشکیل داده و به تبع آن، انتخاب رئیس‌جمهور و آغاز به کار دولت جدید را تسریع نمایند. در غیر این صورت، سناریویی جز یک پارلمان متفرق و غیرمنسجم در دستور کار مداخله‌گران خارجی در امور لبنان قرار نخواهد گرفت. مداخله‌گران آمریکایی و سعودی بار دیگر سعی خواهند کرد تا با تعویق تشکیل دولت و با افزایش دامنه بحران‌های معیشتی لبنان، حزب‌الله را مسئول وضع موجود نشان دهند و برای اهدافی همچون جنگ داخلی و خلع‌سلاح مقاومت تلاش نمایند. اما با این وجود، درخواست گروه‌های ملی‌گرا و دعوت احزاب پیروز مقاومت لبنان از سایر رقبا و جریان‌های سیاسی برای مشارکت حداکثری در پارلمان جدید و اتحاد در مقابل موج مداخلات خارجی، شکست جدیدی بر ائتلاف واشنگتن-ریاض در بیروت تحمیل خواهد کرد.

لزوم اصلاح ساختار انتخابات

در پایان باید توجه کرد که لبنان چند وقتی است که زایشگاه مشکلات است. از هر مشکل، مشکلی دیگر تولد می‌کند و ریسمانی نامرئی مشکلات باربط و بی‌ربط را به هم متصل می‌کند و از آن تار عنکبوتی را می‌سازد که هر که را واردش شود، گرفتار خود می‌کند. دولت‌های ائتلافیِ قومی-قبیله‌ای که به‌جای پیگیری مصالح ملی پیگیر مصالح قوم و قبیله خود هستند، توانایی شکافتن این تار و بهبود اوضاع را ندارند. این‌ها به‌جای حل مسائل متمرکز بر وارونه سازی حقایق‌اند، از این رو نه تنها مسائل را حل نمی‌کنند بلکه باعث افزونی آن می‌شوند. سید «حسن نصرالله» تأکید دارد: «حزب‌الله مدافع منافع ملت لبنان است»، اما تا وقتی همه گروه‌های لبنانی بر سر «منافع ملی لبنان» اجماع نکنند، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، البته خود این امر هم مبتنی بر داشتن تعریف روشنی از «منافع ملی» است.

چنان‌که دبیرکل حزب‌الله گفت: «اکنون مغالطه، خلط میزان محبوبیت مردمی و تعداد نمایندگان است. این در لبنان نادرست است زیرا نظام انتخاباتی و سیاسی فرقه‌ای است و بدتر آنکه تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخاباتی بر اساس یک معیار علمی نبوده و حتی معیاری نیز برای توزیع وجود ندارد. توزیع حوزه‌های انتخاباتی به شیوه‌ای غیرعلمی صورت گرفته چراکه بر اساس منافع برخی سران سیاسی بریده و به یکدیگر چسبانده شده است. می‌توان گفت که تعداد نمایندگان هر حزبی تنها در یک حالت نشان‌دهنده گزینه‌ها و اراده مردمی است و آن این است که قانون انتخابات برپایه یک حوزه انتخاباتی واحد، خارج از محدودیت فرقه‌ای و با حضور نسبی باشد و افراد بالای هجده سال بتوانند رأی دهند. نظام فعلی انتخابات، عادلانه نیست چون یک نفر با ۵۰۰ رأی ممکن است کرسی پارلمان را به دست بیاورد در حالی که دیگران با هزاران رأی نتوانند به پارلمان برسند. خواستار تغییر این قانون هستیم.»

*** منابع در دفتر روزنامه موجود است.**

نگاهی نو به تروریسم در آسیا-اقیانوسیه

بعد از سال ۲۰۱۴ که داعش خلافت خود را در خاورمیانه اعلام نمود، هر ساله شاهد کاهش فعالیت‌های تروریستی در جهان بوده‌ایم اما میزان فعالیت‌های تروریستی در حال حاضر هنوز هم دو برابر دهه قبل و پنج برابر سال ۲۰۰۱ است. منطقه آسیا-اقیانوسیه که مشتمل بر بخش عمده‌ای از آسیا و همچنین آمریکای شمالی، اقیانوسیه و قسمت‌هایی از آمریکای جنوبی نیز است، مدت‌ها است که دارای یکی از بالاترین میزان جرایم تروریستی در جهان است و چند سال اخیر نیز در این میان استثنا نبوده است. در این مقاله ابتدا نگاهی نظری به ریشه‌ها و تقسیم‌بندی‌های تروریسم در این منطقه خواهیم داشت؛ سپس به بررسی حملات تروریستی انجام شده در این منطقه در طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ خواهیم پرداخت و نهایتاً تحلیلی کلی از وضعیت تروریسم در منطقه و آینده آن خواهیم داشت.

فعالیت‌های آشوب‌گرایانه و تروریستی در منطقه آسیا-اقیانوسیه را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: تروریسم چپ‌گرایانه که در پی براندازی حکومت‌های سرمایه‌داری است، تروریسم قومی- سیاسی که توسط گروه‌هایی انجام می‌شود که

ویژگی فعالیت‌های تروریستی در حال حاضر تأثیرپذیری عمده از جنبش‌های فراملی مانند داعش و گروه‌های مرتبط با آن است.

انگیزه‌های قومی دارند و آشوب‌های سیاسی-مذهبی که گروه‌های دارای انگیزه‌های دینی آن را انجام می‌دهند. تداوم آشوب و بی‌ثباتی در بخش‌هایی از این منطقه مانند افغانستان، پاکستان، سوریه و عراق وضعیت تروریسم در سراسر دنیا را تحت تأثیر قرار داده است. در حال حاضر شاهد آن هستیم که درگیری‌های چپ‌گرایانه و قومی هنوز هم در این منطقه رواج دارد و افزایش تنش‌های سیاسی-مذهبی در سراسر جهان، این منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ریشه تروریسم سیاسی-مذهبی در منطقه آسیا-پاسفیک به دهه ۹۰ بازمی‌گردد که جنگجویان فعال در جنگ افغانستان و شوروی به کشورهای خود بازگشتند و به گروه‌های تروریستی موجود ملحق شدند.

ویژگی فعالیت‌های تروریستی در حال حاضر تأثیرپذیری عمده از جنبش‌های فراملی مانند داعش و گروه‌های مرتبط با آن است. برای درک بیش‌تر وضعیت گروه‌های جهادی در منطقه آسیا-پاسفیک اشاره به چند نکته می‌تواند روشنگر باشد. مطابق با پژوهشی که موسسه تحقیقاتی پیو انجام داده است، بین ۱ تا ۱۰ درصد مسلمانان ساکن منطقه آسیا- اقیانوسیه حمایت و پشتیبانی خود را از داعش اعلام کرده‌اند که اکثریت عمده آنان نیز ساکن مالزی هستند. جلوه‌ای از این مسئله را می‌توان در مثلاً با تأمل به این نکته بیش‌تر دریافت که در حال حاضر بیش‌تر از ۸۰۰ مالزیایی واندونزیایی که تعدادی از آنها را هم زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، تحت لوای داعش در عراق و سوریه مشغول فعالیت هستند؛ این به غیر از اتباع دو کشور مذکور است که به جبهه‌النصره پیوسته‌اند. تعداد اتباع آسیای مرکزی هم که به داعش یا جبهه‌النصره پیوسته‌اند، ۲۵۰۰ نفر است که شامل ۷۰۰ تاجیک، ۵۰۰ قرقیز، ۴۰۰ قزاق، ۳۶۰ ترکمن و ۲۰۰ ازبک است. تعداد اتباع اهالی کشورهای شمال شرق آسیا و جنوب اقیانوسیه نیز اگرچه پایین است، اما بی‌سابقه و فراتر از حد پیش‌بینی‌ها است؛ به طوری که مثلاً در حال حاضر ۱۰۰۰ اویغور چینی در سوریه حضور دارند و ۱۱۰ تبعه استرالیا نیز در سوریه و عراق به گروه‌های تروریستی پیوسته‌اند. در جنوب آسیا نیز وضعیتی مشابه حاکم است. مطابق با گزارش‌های موجود بین ۵۰۰ تا ۱۰۰ افغانستانی و پاکستانی در عراق و سوریه به داعش، جبهه‌النصره یا سایر گروه‌های مشابه پیوسته‌اند و ۲۰۰ نفر از اتباع مالدیو، ۳۶ سریلانکایی و ۲۳ هندی نیز به عضویت گروه‌های تروریستی داعش و النصره درآمده‌اند.

در دو دهه گذشته، حداقل در منطقه آسیا-اقیانوسیه، شاهد آن بوده‌ایم که خطر گروه‌های چپ‌گرا و قومی-سیاسی تهدید برخاسته از گروه‌های سیاسی-مذهبی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. گروه‌های چپ‌گرا همچنان خطر مهمی برای دولت‌های این منطقه به شمار می‌روند. ازجمله این گروه‌ها می‌توان به ناگزال‌ها (گروه شورشی و جدایی‌طلب مائوئیستی که از اواسط دهه ۶۰ در هند به صورت متناوب فعال است)، حزب کمونیستی ارتش جدید خلق فیلیپین (شاخه نظامی حزب کمونیست فیلیپین که در سال ۱۹۶۹ توسط خوزه ماریو سیسون تأسیس شده است) و گروه‌های جدایی‌طلبی مانند Runda Kumpulan Kecil در جنوب تایلند و ارتش آزادی‌بخش بلوچستان که به دنبال تجزیه منطقه بلوچستان است، اشاره کرد. علی‌رغم آنچه درباره تهدید گروه‌های چپ و جدایی‌طلب گفته شد، خطر اصلی تروریسم در مقطع فعلی گروه‌های سیاسی-مذهبی هستند. از این منظر هم اشاره به این نکته ضروری است که در بین گروه‌های سیاسی-مذهبی نیز شاهد کاهش نفوذ و فعالیت گروه‌های مسیحی، سیک، هندی و بودیست هستیم و در عوض فعالیت گروه‌های سلفی بالا رفته است. نقطه اوج فعالیت این گروه‌ها در منطقه آسیا-پاسفیک، افغانستان و پاکستان هستند و علی‌الخصوص میزان فعالیت آنها در قسمت‌هایی از خاک پاکستان که موسوم به مناطق قبیله‌ای فدرال هستند و در مرز شمال غربی این کشور با افغانستان قرار دارند، به‌شدت بالا است. وزیرستان جنوبی و شمالی نیز در جنوب خاک پاکستان از نقاط بحرانی فعالیت گروه‌های سلفی است. با توجه به این‌که منطقه آسیا- اقیانوسیه محل زندگی ۶۴ درصد از مسلمانان جهان به شمار می‌رود، گفته می‌شود که داعش در این منطقه به دنبال گسترش نفوذ، بی‌ثبات‌سازی و تشکیل خلافت است. زمانی هم که در سال ۲۰۱۵، تعدادی از فرماندهان میانی طالبان پاکستان بیعت خود را با ابوبکر البغدادی رهبر طالبان اعلام نمودند،

ابو محمد عدنانی، سخنگوی داعش، تشکیل شاخه این گروه در منطقه موسوم به خراسان - شامل کشورهای افغانستان، پاکستان، بخش‌هایی از ایران و... را اعلام نمود و به این ترتیب منطقه مذکور به اولین «ولایت» این گروه در قاره آسیا-البته به جز خاورمیانه- بدل شد.

در منطقه آسیا-اقیانوسیه، داعش بیشترین فعالیت را در جنوب آسیا دارد و در تمامی کشورهای این منطقه، به جز نپال و بوتان، به شبکه‌سازی روی آورده است. اتباع هند، سری‌لانکا، مالدیو، بنگلادش، پاکستان و افغانستان هم در سوریه و عراق به داعش، النصره و دیگر گروه‌های سلفی پیوسته‌اند. البته داعش به جز منطقه مذکور در مقطعی به‌شدت به دنبال گسترش خلافت خود در شمال شرق و جنوب شرق آسیا نیز بود و حتی تحلیل‌های کارشناسان مختلف در مقطعی نشان می‌داد که تحکیم شبکه‌های تروریستی این گروه در جنوب آسیا، آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرق، آسیای شمال شرق و اقیانوسیه، منطقه آسیا-پاسفیک را در معرض تهدید فزاینده داعش قرار خواهد داد. زمانی هم که داعش در ژوئن ۲۰۱۴ نقشه‌ای را منتشر کرد که در آن منطقه‌ای به نام خراسان که مشتمل بر تمامی کشورهای آسیای مرکزی، سریلانکا، هند، پاکستان و ایران بود را یکی از ولایات خود اعلام نمود، این نگرانی‌ها افزایش یافت. در حوالی سال ۲۰۱۶ نیز شاهد بودیم که داعش به‌شدت به دنبال جذب نیرو از منطقه آسیای جنوب شرقی است تا به رویای تشکیل خلافت خود در این منطقه جامه عمل بپوشاند. در آن زمان گفته می‌شد که این کار در یکی از این دو منطقه انجام خواهد گرفت: شمال‌اندونزی یا جنوب فیلیپین که نهایتاً شاهد اتفاقات سال ۲۰۱۷ در منطقه ماراوی فیلیپین و تصرف پنج ماهه این منطقه توسط شاخه داعش در فیلیپین بودیم.

انفجار کلیسای جامع کاتولیک‌ها در فیلیپین

اولین عملیات تروریستی در سال ۲۰۱۹ و در کلیسای جامع کاتولیک‌ها در جزیره جولو در جنوب فیلیپین به وقوع پیوست که در آن ۲۳ نفر کشته شده و ده‌ها نفر مجروح شدند. انفجار اول ساعت هشت و چهل‌وپنج دقیقه صبح و هنگامی که دعای صبح روز یکشنبه در حال برگزاری بود داخل کلیسا به وقوع پیوست و پس از رسیدن نیروهای پلیس و امداد به محل بمب دوم در پارکینگ کلیسا و مقابل در کلیسا منفجر شد. این عملیات توسط دو تبعه‌اندونزیایی انجام شده بود و انجام آن به گروه معروف و شناخته شده ابوسیاف و گروه جماعه انشار الدوله- یکی از گروه‌های سلفی فعال دراندونزی که عملیات زنجیره‌ای تروریستی معروف به سورابایا در سال ۲۰۱۸ هم به آن نسبت داده شده است- نسبت داده شده است. آنچه به این عملیات تروریستی اهمیت زیادی داده بود، از دو نکته منبعث می‌شد: اولاً این عملیات توسط گروه‌های تروریستی از کشوراندونزی و توسط اتباع این کشور در خاک فیلیپین انجام شده بود و حاکی از گسترش دامنه سلول‌های تروریستی در منطقه و ترا- ملی شدن این پدیده بود. ثانیاً این عملیات دومین اتفاق از این جنس در فاصله زمانی شش ماهه در خاک فیلیپین بود و نکته مهم‌تر آن‌که وقوع دو عملیات تروریستی در خاک این کشور با این فاصله زمانی کوتاه در تاریخ فیلیپین بی‌سابقه بود.

ظهور تروریسم دست راستی

اتفاق دیگری که در این زمان در منطقه آسیا-اقیانوسیه شاهد آن بودیم، انجام عملیات‌های تروریستی بود که از سوی افرادی با گرایش‌های دست راستی و علیه اقلیت‌ها انجام می‌شد. نقطه اوج این عملیات‌های تروریستی حمله برنتون تارانت در ۱۵ مارس ۲۰۱۹ به مساجد نور و لینوود در شهر کرایست‌چرچ نیوزلند بود که در آن ۵۱ نفر جان خود را از دست دادند. آنچه باعث اهمیت این عملیات می‌شد، این بود که یک فرد بدون وابستگی به گروه تروریستی خاص و به صورت منفرد و خودجوش دست به انجام عملیات تروریستی زده بود- این پدیده اصطلاحاً تروریسم گرگ تنها نامیده می‌شود.

تیراندازی در پایگاه هوایی پنساکولا

در ششم دسامبر ۲۰۲۰ در طی تیراندازی در پایگاه نظامی پنساکولا توسط یک افسر نیروی هوایی عربستان به نام محمد سعید الشمرانی که دوره‌های آموزشی را در این پایگاه سپری می‌کرد، سه ملوان آمریکایی جان خود را از دست دادند و ۸ نفر نیز مجروح شدند. بررسی حساب توئیتری الشمرانی پس‌ازاین حادثه نشان داد که او محتواهای ضدآمریکایی در این شبکه اجتماعی بارگذاری نموده و در مواردی هم نقل‌قول‌هایی از چهره‌های اصلی گروه القاعده مانند اسامه بن لادن یا ایمن الظواهری منتشر نموده است. بیل یار، وزیر دادگستری ایالات‌متحده اظهار داشت که این عملیات با انگیزه افراط‌گرایی و الهام از «ایدئولوژی جهادی» صورت گرفته است. او افزود که الشمرانی روز یازدهم سپتامبر ۲۰۱۹ پیامی با این مضمون در اینترنت منتشر کرده بود: «شمارش معکوس آغاز شده است». وی سپس به محل برج‌های دوقلویی که در حملات یازده سپتامبر مورد حمله قرار گرفته بود می‌رود و پس از آن بر شدت پیام‌های ضدآمریکایی خود تا دو ساعت قبل از انجام تیراندازی ادامه می‌دهد. این مقام بلندپایه قضایی در آمریکا در ادامه یادآور می‌شود که در تحقیقات تکمیلی پلیس فدرال که بلافاصله پس از تیراندازی انجام شد هیچ نشانه‌ای از همکاری و یا اطلاع دیگر نظامیان تحت آموزش در آمریکا از این اقدام یافت نشده است. با این وجود به گفته وزیر دادگستری آمریکا پلیس فدرال در ادامه تحقیقات خود به این نتیجه رسید که بیست‌ویک نفر از نظامیان تحت آموزش در ایالات متحده حامل و یا منتشرکننده «محتوی‌های تهاجمی» بوده‌اند. بر اساس اظهارات وزیر دادگستری آمریکا پروفایل هفده تن از این نظامیان سعودی حاوی مطالبی با گرایش‌های «جهادی و ضدآمریکایی» بوده اما هیچ نشانه‌ای از عضویت و یا همدستی آنها با یک گروه تروریستی یافت نشده است. ازآنجاکه این عملیات توسط یک افسر سعودی انجام گرفته بود، چالش‌های جدی درباره تحقیق از نظامیان خارجی که برای آموزش به ایالات متحده اعزام می‌شوند، ایجاد شده است. علاوه‌بر این عملیات مذکور، یکی از معدود نمونه‌های عملیات تروریستی در خاک ایالات متحده پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به شمار می‌رود.

چپ افراطی هند

یکی از گروه‌هایی که در سال‌های اخیر در کنار تروریست‌های سلفی به دلیل فعالیت‌های خود از شهرت بسیاری، مخصوصاً در هند، برخوردار گشته است، ناگزال‌ها هستند. ناگزال در هندوستان به اعضای هر گروه‌گریلایی کمونیستی گفته می‌شود که با حزب کمونیست هند (مائوئیست) در پیوند باشد. اگرچه میزان مرگ و میز بر اثر عملیات‌های آنها بسیار کمتر از عملیات‌های گروه‌های سلفی است اما آنها بسیار فعال‌تر از گروه‌های جهادی هستند و میزان عملیات‌های انجام شده توسط آنان در سال ۲۰۱۸، دو برابر عملیات‌های کل گروه‌های تروریستی است.

در دو دهه گذشته، حداقل در منطقه آسیا-اقیانوسیه، شاهد آن بوده‌ایم که خطر گروه‌های چپ‌گرا و قومی- سیاسی تهدید برخاسته از گروه‌های سیاسی-مذهبی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. گروه‌های چپ‌گرا همچنان خطر مهمی برای دولت‌های این منطقه به شمار می‌روند.

ارتش نوین خلق فیلیپین

ارتش نوین خلق یک گروه شورشی مائوئیستی و شاخه چهارهزارنفره از شورشیان مسلح حزب کمونیست فیلیپین است که اعضای آن از چهار دهه گذشته تاکنون علیه دولت مرکزی می‌جنگند. ارتش نوین خلق فعال‌ترین گروه تروریستی در فیلیپین به شمار می‌رفت- پیش از بحران ماراوی و قدرت گرفتن داعش- که از نظر تعداد فعالیت‌های تروریستی در سال ۲۰۱۸، رتبه ۵ را در منطقه آسیا-اقیانوسیه به خود اختصاص داده بود.

شورش‌های جدایی‌طلبانه در جنوب تایلند

در کشور تایلند نیز شاهد آن هستیم که مذاکرات صلح از سال ۲۰۱۸ متوقف شده است و موج خشونت‌ها نیز که از سال ۲۰۰۴ رو به آرامی گذاشته بود، بعد از کشته شدن یکی از مظنونین جدایی‌طلب در بازداشت دولت، دوباره شدت گرفته است. نوامبر ۲۰۱۹ خونین‌ترین ماه تایلند بعد از سال ۲۰۰۱ بود که در آن مردان مسلح ۱۵ نفر را در یک ایست و بازرسی در جنوب تایلند به قتل رساندند. البته در سال ۲۰۲۰، گروه باریسان رولوسی ناسیونال که بزرگ‌ترین گروه شورشی در جنوب تایلند به شمار می‌رود، در اقدامی که از سال ۲۰۱۳ بی‌سابقه بود، با نمایندگان دولت بانکوک دیدار نمود و با آنها مذاکره کرد. البته اگرچه این دیدار اقدامی مثبت تلقی می‌شود، اما دورنمای برقراری صلح در جنوب تایلند ناامیدکننده است.

شورش‌های جدایی‌طلبانه در میانمار

در چند سال گذشته منطقه آسیا- پاسفیک باز هم درگیر شورش‌های جدایی‌طلبانه در میانمار و علی‌الخصوص ایالت غربی روهینگیا بوده است؛ شورش‌هایی که حاصل آن آوارگی ۹۰۰ هزار نفر از مسلمانان این منطقه و مهاجرت اجباری آنان به بنگلادش و تشکیل بزرگ‌ترین اردوگاه‌های آوارگان جهان در این کشور بوده‌ایم. با این وجود، بیش‌تر خشونت‌های این منطقه منبعث از فعالیت‌های گروه موسوم به ارتش آرخان است که در پی کسب استقلال از دولت مرکزی است اما در قبال مسلمانان سیاستی خشونت‌بار و مشابه دولت دارد. ارتش آرخان در دو سال گذشته به فعالیت‌های خود شدت بخشیده است، به طوری که اولین عملیات خود را در سال ۲۰۱۹ علیه یک پاسگاه مرزی انجام داد که طی آن ۱۳ نفر جان خود را از دست دادند؛ از آن زمان و بر اثر درگیری‌های دو طرف صدها نفر جان خود را از دست داده‌اند.

وضعیت فعلی و دورنمای آینده

همان‌طور که در ابتدای گزارش هم مورد اشاره قرار گرفت، علی‌رغم تمامی فعالیت‌های تروریستی که از آنها سخن به میان آمد، این قبیل حملات چندین سال است که روندی نزولی دارند و به‌طور مشخص این مسئله را می‌توان در پاکستان، تایلند، هند واندونزی دید. مثلاً تعداد حملات تروریستی در سال ۲۰۱۹ دراندونزی از ۱۵ عدد در سال قبل از آن به ۸ عدد کاهش یافت. یکی از دلایل این امر قطعاً کشته یا دستگیر شدن رهبرانِ اصلی گروه‌های تروریستی در منطقه است؛ مثلاً در سال ۲۰۱۹ محد رفیع‌الدین و وان مهد آکوئیل وان زینال عابدین که اصلی‌ترین جذب‌کنندگان نیرو برای داعش در مالزی به شمار می‌رفتند، در حمله نیروی هوایی روسیه در باغوز سوریه کشته شدند. ارتش فیلیپین نیز در همین سال آخرین رهبر گروه مائوته شاخه داعش در فیلیپین- را به هلاکت رساند. یکی دیگر از اقداماتی که در این میان بسیار مؤثر بوده است، مقابله نرم با تروریسم است. مثلاً در ژوئن ۲۰۱۹ دولت هند ۲۱ مرکز مشاوره را در ایالت کرالا- که اصلی‌ترین مرکز حامیان داعش در هند به شمار می‌رود- تأسیس نمود تا از طرق نرم و استفاده از مشاوره به زدودن رادیکالیسم از منطقه اقدام کنند. در جولای ۲۰۱۹ نیز دولت فیلیپین مجموعه جدیدی از قوانین را اجرایی نمود که یکی از بندهای آن، همکاری بین رهبران مذهبی و دولت برای جلوگیری از افتادن جوانان به دام افراطی‌گرایی است. البته در این میان چالش‌های جدی هم وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به بالاگرفتن موج ملی‌گرایی هندوئیستی در هند، وقایع مربوط به شین‌جیانگ در چین، بحران آوارگان روهینگیا و بازگشت تروریست‌ها از خاورمیانه به کشور خود اشاره کرد.

در منطقه آسیا- اقیانوسیه، داعش بیشترین فعالیت را در جنوب آسیا دارد و در تمامی کشورهای این منطقه، به جز نپال و بوتان، به شبکه‌سازی روی آورده است. اتباع هند، سری‌لانکا، مالدیو، بنگلادش، پاکستان و افغانستان هم در سوریه و عراق به داعش، النصره و دیگر گروه‌های سلفی پیوسته‌اند.

منبع: اندیشکده تبیین